

### رشد کودک قبل از دوره دبستان (۲ تا ۶ سالگی)

هدفهای رفتاری: در پایان این فصل فراگیر باید بتواند:

- ۱- رشد دوران قبل از دبستان را مانند رشد دوران تولد تا دو سالگی تعریف کند.
- ۲- رشد طول بدن، وزن، نسبت بین اندامها و رویدن دندانها در این دوره را تعریف کند.
- ۳- رشد حرکتی کودک در دوران ۳، ۴ و ۶ سالگی را تعریف کند.
- ۴- انواع حافظه (حسی - کوتاه مدت و بلند مدت) را تعریف کند.
- ۵- مفاهیم زبان، فضا و اعداد را تعریف کند.
- ۶- تواناییهای هوشی کودک ۶ ساله را برحسب درجه بندی هوشی (استانفوردینه) بیان کند.
- ۷- نحوه بکار بردن لغات از سوی یک کودک ۶ ساله را تعریف کند.
- ۸- رشد شخصیت کودک در این دوره را تعریف کند.
- ۹- سه نوع از بازیهای را که رشد اجتماعی کودک را افزایش می دهد بیان کند.

### سومین دوره رشدی

### دوران قبل از دبستان از ۲ تا ۶ سالگی

#### ۴/۱- کلیات

در دوران قبل از دبستان مانند دو دوره قبل یعنی دوره نوزادی و دوره نوپایی رشد کودک با تغییرات زیادی به شرح زیر ادامه می یابد.

- ۱- رشد جسمانی = رشد طولی بدن - وزن بدن نسبت بین اندامها - رویدن دندانها
- ۲- رشد حرکتی = رشد حرکتی کودک ۲۴ ماهه - ۳۶ ماهه - ۴۸ ماهه - ۶۰ ماهه و بالاخره ۷۲ ماهه یا ۶ ساله
- ۳- رشد شناختی = رشد حافظه - حافظه حسی - حافظه کوتاه مدت - حافظه دراز مدت
- ۴- رشد ادراکی = درک عمق - درک فاصله و مسافت مفاهیم زمان، فضا و اعداد
- ۵- رشد هوشی = شناختن اشیا و کاربرد آنها، اندامها، تصاویر، اجرای دستورها در ۲ سالگی و ۶ ماهگی - شرح معنی کلمات - تفاوت بین اشیا و غیره در ۶ سالگی
- ۶- رشد زبان = رشد درک معانی کلمات - بکار بردن لغات - طبقه بندی کلمات - معانی کلمات
- ۷- رشد شخصیت = توصیف شخصیت - تفکر و احساس و عملکرد فرد
- ۸- رشد اجتماعی = بازیهای اجتماعی (بازی در کنار یکدیگر ولی متفاوت - بازی شراکتی - بازیهای همیاری)

#### ۴/۲- رشد جسمانی کودکان ۲ تا ۶ ساله

در دوران دو ساله اول تغییرات زیادی در رشد جسمانی کودک بوجود می آید که تا دوران بلوغ ادامه پیدا می کند ولی آهنگ این رشد به تدریج کندتر می شود، رشد جسمانی کودک از ۲ تا ۶ سالگی دارای خصوصیات زیر است:

- رشد طولی بدن: طول قد یک کودک ۲ ساله در حدود ۸۵ سانتیمتر است و تا آخر سن ۶ سالگی حدود ۳۰ سانتیمتر به طول او اضافه می گردد تقریباً به ۱۱۵ سانتیمتر می رسد.
- وزن بدن: وزن بدن کودک در دو سالگی حدود ۱۲ کیلوگرم است و طی سالهای بعد تا ۶ سالگی حدود ۵ کیلوگرم به آن افزوده می گردد و به حدود ۱۷ کیلوگرم می رسد. به طور کلی می توان گفت وزن بدن یک کودک ۶ ساله تقریباً ۵ برابر وزن همان کودک هنگام تولد است.
- نسبت رشد بین اندامها: در این دوره چهار ساله (۲ تا ۶ سالگی) رشد سر کودک نسبت به رشد کلی بدن او کمتر است و رشد پاهای او عامل مهمی برای رشد طولی بدن می باشد.

در سن ۲ سالگی طول سر کودک  $\frac{1}{5}$  طول بدن یا ۲۰ درصد طول بدن را تشکیل می دهد در حالی که رشد پاهای کودک ۳۴ درصد طول بدن را شامل می شود.

در ۶ سالگی طول سر کودک  $\frac{16}{5}$  درصد طول بدن و پاهای او ۴۴ درصد طول بدن را تشکیل می دهد. نسبت طول سر یک فرد بزرگسال نسبت به طول بدن او ۱۰ درصد و طول پاهای آن

فرد ۵۰ درصد طول کلی بدن است.

— روییدن دندانها: در سن ۲ سالگی کودکان معمولاً ۲۰ عدد دندان شیری دارند. در سن ۴ سالگی این دندانها ریخته، به جای آنها دندانهای دائمی می‌رویند. ترتیب ریختن دندانهای شیری مانند روییدن آنهاست و به ترتیب، اول دندانهای پیشین در فک تحتانی و سپس دندانهای نیش در فک فوقانی و بعد دندانهای پایه‌دار خود را به دندانهای دائمی می‌دهند. ابتدا دندان پیشین می‌روید آنگاه نوبت به دندانهای نیش می‌رسد. اولین دندان آسیا، بین یک و یک و نیم سالگی و دندانهای طرفی بین یک و نیم تا دو سالگی می‌رویند<sup>۱</sup>.

### ۴/۳— رشد حرکتی کودکان ۲ تا ۶ ساله

به منظور بررسی رشد مهارت‌های حرکتی، روانشناسان تغییرات رشدی کودکان ۲ تا ۶ ساله را به‌طور منظم و با دقت مورد مشاهده و تحقیق قرار داده‌اند که خلاصه‌ای از این بررسی در ماههای مختلف سنین ۲ تا ۶ سالگی به شرح زیر توصیف می‌گردد.

— مشاهدات در ۲۴ ماهگی (دو سالگی): یک کودک دو ساله می‌تواند یک توپ بازی کوچک را حدود یک تا یک و نیم متر پرتاب کند.  
می‌تواند با هر دو پای خود پرش نماید.  
در اطراف خود، جلو و عقب می‌تواند راه برود.  
از پلکان به تنهایی بالا می‌رود و می‌تواند بدود.  
— مشاهدات در ۳۶ ماهگی (سه سالگی): می‌تواند روی یک پا بایستد و ۲ تا ۳ مرتبه لی‌لی بازی کند.

با هر دو پای خود به طرف بالا می‌پرد.  
فاصله کوتاهی را روی یک میله راه می‌رود.  
یک توپ کوچک را حدود سه متر پرتاب می‌کند.  
می‌تواند سه‌چرخه سواری و پرش نماید.  
یک در میان با پاهای خود از پلکان بالا می‌رود.  
— مشاهدات در ۴۸ ماهگی (چهار سالگی): با یک پای خود (در هر مرتبه) با کمک دیگران می‌تواند از پلکان پایین بیاید.

---

۱— برای مطالعه بیشتر به کتاب روانشناسی رشد ۱ انتشارات سمت: تألیف دکتر سوسن سیف، دکتر کدیور، دکتر نوری

و دکتر لطف‌آبادی مراجعه شود.

با یک پا می‌تواند پرش کند و همچنین دوچرخه سواری کند.  
 از بلندیها می‌تواند بالا برود.  
 — مشاهدات در ۶۰ ماهگی (پنج سالگی): یک پا در میان پرش می‌کند.  
 با یک پا حدود ۱۰ مرتبه لی لی بازی می‌کند.  
 توپ را از روی سر پرتاب می‌کند.  
 پرش طول را بخوبی انجام می‌دهد.  
 توپ پرتاب شده را می‌گیرد.  
 — مشاهدات در ۷۲ ماهگی (۶ سالگی): می‌تواند دوچرخه سواری کند.  
 به‌طور کامل از بلندی بالا می‌رود.  
 بخوبی توپ را از بالای سر پرتاب می‌کند.

#### ۴/۴ — رشد شناختی کودکان ۲ تا ۶ ساله

اگر چه کودک ۲ تا ۶ ساله از لحاظ نمادی می‌تواند اشیا و حوادث را شناسایی کند ولی شناخت او هنوز نمی‌تواند با شناخت کودکان بزرگتر و افراد بزرگسال مقایسه گردد. حدود پایان دو سالگی مرحله جدیدی در رشد ذهنی کودک آغاز می‌شود و ابزار تازه‌ای برای تفکر در آنان پدیدار می‌گردد، یعنی کودک می‌تواند از این به بعد از نمادها به جای اشیا استفاده کند که توانایی انجام دادن عملیات ذهنی بعدی از طریق آن فراهم می‌شود. این توانایی به کودک اجازه می‌دهد تا درباره اشیا و حوادثی که حضور ندارند فکر نموده، برای درک آنها از ذهن خود استفاده کند و در نتیجه نمادهایی را برای مقایسه آن اشیا و فکر کردن درباره آنها و تجربه نمودن آنها به وجود آورد.

برای اینکه کودکان به نگهداری ذهنی برسند باید از یک جریان سه مرحله‌ای بگذرند، یعنی ابتدا مفاهیم را به سادگی نمی‌توانند درک کنند در مرحله بعدی مفاهیم را در بعضی از موقعیتها درک می‌کنند، و در مرحله سوم مفاهیم را به‌طور کامل درک می‌کنند به نحوی که می‌توانند به موقعیتهایی که نوع خاصی از نگهداری ذهنی را ایجاب می‌نماید، پاسخ دهند. برای مثال، اگر به کودک چهار ساله‌ای دو گلوله گلی به یک اندازه نشان دهید و قبول کند که آنها هم اندازه‌اند، حال، یکی از آنها را در حضور او پهن کنید به احتمال زیاد خواهد گفت که مقدار گل پهن شده بیشتر است. در سن ۵ سالگی اغلب کودکان در می‌یابند که مقدار چیزی با تغییر شکل دادن آن شکل کم و زیاد نمی‌شود. اما با تغییر مختصری در روش کار، درک کامل نشده خود را بروز خواهد داد. نگهداری ذهنی وزن معمولاً در سن ۷ تا ۱۰ سالگی و درک کامل حجم در ۱۰ تا ۱۲ سالگی ایجاد می‌گردد. یعنی تغییر

کمی و کیفی اشیاء برخلاف تغییر شکل ظاهری آنها. به طور مثال دو گلوله خمیر را می‌توان به شکل سوسیس یا جسم پهن درآورد بدون آن که از نظر کمی و کیفی تغییری در دو گلوله خمیر حاصل شده باشد. به عبارت دیگر نگهداری ذهنی یعنی خاصیت بازگشت پذیری اشیاء. خمیر سوسیس شکل را دوباره می‌توان به شکل گلوله درآورد.

— **رشد حافظه:** بررسیهای انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که حتی یک کودک سه ساله می‌تواند دارای حافظه باشد. تغییراتی که در رشد جسمانی کودک بوجود می‌آید در رشد حافظه نیز مؤثر است. تجربه نشان داده است که ظرفیتهایی برای ذخیره نمودن حافظه به نام ظرفیتهای تئوریک وجود دارد که در دو سالگی کاملاً اعمال خود را انجام می‌دهد. بعضی از روانشناسان اظهار می‌دارند که حافظه بهتر در کودکان بزرگتر به دلیل افزایش ظرفیت ذخیره حافظه واقعی می‌باشد. به طور کلی باید در نظر داشت که حافظه کودکان مبتنی بر اساس فرضیات اولیه می‌باشد.

— **حافظه حسی:** چنانچه به یک شیء بنگرید و یا صدایی بشنوید حتی پس از برطرف شدن محرک نشانی از محرک باقی می‌ماند. این اثر یا نشان باقیمانده که معمولاً کمتر از  $\frac{1}{4}$  ثانیه به طول می‌انجامد حافظه حسی نامیده می‌شود.

— **حافظه کوتاه مدت:** اطلاعات مربوط به حافظه حسی ابتدا به حافظه کوتاه مدت تبدیل می‌گردد. این اطلاعات ممکن است در حدود ۳۰ ثانیه در حافظه ذخیره گردد و پس از آن از بین رفته، یا به حافظه دراز مدت منتقل گردد.

چنین به نظر می‌رسد که با رشد بدن در ظرفیتهای پایه‌ای حافظه کوتاه مدت تغییری حاصل نشود. به هر حال چگونگی افزایش ظرفیت حافظه کوتاه مدت بستگی به راه‌های دارد که فرد از آن استفاده می‌نماید مانند تمرین و تکرار کردن.

— **حافظه دراز مدت:** اطلاعاتی که در حافظه کوتاه مدت ذخیره می‌گردد احتمال دارد برای استفاده در زمانهای بعدی حتی برای سالیان دراز به حافظه بلند مدت مبدل گردد. برخلاف نقش حافظه کوتاه مدت، ادامه تمرین و تکرار برای حفظ اطلاعات در حافظه دراز مدت اهمیت چندانی ندارد. به هر حال مؤثر بودن، ذخیره کردن در حافظه دراز مدت بستگی به راه و روشی دارد که فرد در سیستم ذخیره کردن حافظه دراز مدت مورد استفاده قرار می‌دهد.

کودکان ۲ تا ۴ ساله در سازمان دادن به راه‌های حفظ اطلاعات در حافظه دراز مدت ضعیف می‌باشند ولی از ۴ سال به بعد معمولاً برای سازمان دادن به این راه‌کارها به جای استفاده از مفهوم نمادها از خواص جسمی اشیاء به عنوان پایه‌ای برای سازمان دادن استفاده بعمل می‌آورند.

## ۴/۵- رشد ادراکی کودکان ۲ تا ۶ ساله

ادراک کودکان با رسیدن به سن ۲ سالگی بخوبی رشد می‌کند. رشد ادراکی شامل موارد زیر می‌باشد:

— **درک عمق:** شواهدی وجود دارد که توانایی درک عمق از سوی کودکان از همان اوایل دو سالگی شروع به رشد می‌نماید. اینان با افزایش سن، جهات مختلف رشد را بهتر درک می‌نمایند. اختلاف ظاهری در درک عمق بین کودکان و بزرگسالان وجود ندارد زیرا در هر دو مورد درک عمق بستگی به درک بینایی و وضع موجود دارد. ولی در صورتی که در وضع میزان دید در عمق اشیا تفاوتی به وجود آید درک عمق کودکان نمی‌تواند مانند درک عمق بزرگسالان از دقت کافی برخوردار باشد.

— **درک فاصله و مسافت:** اگر چه تشخیص فاصله اشیا نزدیک از فاصله اشیا دورتر در شرایطی که مانعی وجود نداشته باشد برای کودکان و بزرگسالان نیز برابر است ولی تخمین مسافت با ازدیاد سن دقیق‌تر انجام می‌گیرد.

— **مفاهیم زمان، فضا و اعداد برای کودکان:** کودکان ۲ تا ۶ ساله دارای درک مقدماتی از مفاهیم می‌باشند که آنها را برای حل مسایل سطحی و آماده شدن برای درک مفاهیم پیچیده‌تر مهیا می‌سازد کودکان در این دوره سنی در موقع مواجه شدن با هر یک از مفاهیم برای درک آنها از اطلاعات محدودی برخوردار می‌باشند.

— **مفهوم اعداد:** اگرچه تعداد زیادی از کودکان ۶ ساله دارای درک مهارت شمارشی هستند ولی دانش آنها در مورد عدد محدود است. کودک در مرحله قبل از عملیات عینی در موقع شمارش تعدادی از اشیا ممکن است یک شیء را بیش از یک مرتبه شمارش کند و یا فقط چند عدد از آنها را بشمارد. برای مثال وقتی از کودکی خواسته شود تا ۱۰ عدد از ۱۵ عدد مداد را بشمارد، ممکن است عمل شمارش مدادها را تا ۱۵ عدد مداد ادامه دهد. این عمل کودک نشان می‌دهد که به مفهوم عدد تسلط ندارد، بلکه کار شمارش او تحت تسلط ادراک او از شمارش است.

— **مفهوم فضا:** کودکان در این دوران سنی دارای مشکلاتی در مفاهیم فضا، حجم و ارتباطات فضایی می‌باشند. یکی از این مشکلات، اشکالی است که در درک ارتباط فضایی یک شیء پس از برگرداندن و یا تغییر جهت دادن آن جسم بروز می‌کند. اشکال دیگری که برای این کودکان بوجود می‌آید اندازه‌گیری مسافت بین دو نقطه است. برای مثال، فاصله دو نقطه A و B چنانچه شیئی بین آنها واقع نگردد ثابت است ولی اگر شیئی در بین فاصله این دو نقطه قرار داده شود ممکن است درک کودک از فاصله بین دو نقطه تغییر یابد.

کودکان ۴ ساله فاصله بین دو شیء را تحت شرایطی متفاوت تشخیص می‌دهند. چنانچه در

فاصله بین دو شیء یک مانع یا پرده‌ای قرار داده شود فاصله بین آن دو شیء را بیشتر از زمانی تشخیص می‌دهند که چیزی در بین آنها واقع نشده باشد.

— مفهوم زمان: کودکان در این مرحله زمانی نسبت به کودکان بزرگتر و بزرگسالان درک کمتری از مفهوم زمان دارند. از نظر این کودکان زمان با مکان تداعی شده است و این تداعی شدن همیشه معتبر نمی‌باشد. یعنی این که کودک بین زمانهای حال، گذشته و آینده تفاوتی نمی‌بیند. مفاهیم زمان و مکان با یکدیگر تداعی می‌گردند. موقعی که از دیروز صحبت می‌کند آن را با یک مکان خاص مثل منزل، ماشین یا یک اتاق خاص همراه می‌کند. دیروز برای او زمان بسیار دوری را شامل می‌شود و آینده و گذشته از نظر او یکسان می‌باشد. مثل خوابیدن عصر و بیدار شدن را به معنای فردا تلقی می‌کند. به این علت گذشته برای کودکان نامفهوم است و اندیشه آنها روی یک مکان و یک زمان متمرکز است، آینده دور از نظر آنها با فردا یکی است. همچنین زمانهای پیشین را ممکن است مانند دیروز و سال گذشته تصور نمایند. یک کودک چهار ساله تصور می‌نماید که در یک زمان دو فرد به اندازه هم یک مسافت را طی می‌نمایند حال آنکه اگر یکی از آن دو نفر یک مسافت ۲۰۰ متری را در یک دقیقه طی کند و نفر دیگر کندتر حرکت کند در همان زمان یک مسافت ۱۰۰ متری را طی کند، تصور می‌نماید فردی که مسافت بیشتری را طی کرده مدتها قبل از فرد دیگر راه‌پیمایی را شروع کرده است.

#### ۴/۶— رشد هوشی کودکان ۲ تا ۶ ساله

اصطلاح هوش نه تنها توسط روانشناسان حرفه‌ای بلکه از سوی افراد معمولی و غیر حرفه‌ای نیز در محاورات روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخلاف کاربرد فراوان آن، تعریف هوش کار مشکلی است حتی برای روانشناسان و افراد حرفه‌ای، اغلب اوقات به معنای یک یا چند توانایی بکار گرفته می‌شود که توسط افراد اعمال می‌گردد از قبیل توانایی دلیل تراشی؛ توانایی حل مسایل؛ توانایی تفکر انتزاعی؛ توانایی سازگاری خود با محیط؛ توانایی تعمیم دادن حل یک مسئله در مسایل کلی. حدودی که یک فرد قادر به نشان دادن این گونه مشخصات باشد آن را سطح هوشی یا استعداد آن فرد می‌نامند. نظریه‌های مختلفی در مورد هوش و اندازه‌گیری آن ارائه گردیده است. یکی از متداول‌ترین روشهای آزمایش هوشی برای کودکان بالاتر از ۲ سال درجه‌بندی هوشی استانفورد بینه<sup>۱</sup> است در این آزمایش وظایفی که کودکان ۲ تا ۶ ساله باید توانایی انجام دادن آن را داشته باشند عبارت‌اند از:

— کودکان دو سال و شش ماهه:

شناختن اشیا و کاربرد آنها.

شناختن اندامهای مختلف بدن.

دانستن نام اشیای معمولی.

شناختن تصاویر اشیای معمولی.

شناختن اعداد دو رقمی.

اجرای دستورات ساده.

— کودکان ۶ ساله:

شرح دادن معنی کلمات معمولی.

شرح تفاوت‌های بین دو شیء.

شناختن یک تصویر ناقص و تعیین قسمت حذف شده آن.

شناختن اعداد — انتخاب تعداد مشخصی از بلوکهای بازی.

پاسخگوی برعکس — مانند یک کیلو سنگین است، نیم کیلو...؟

استفاده از مداد و کاغذ برای بازیهای ماز<sup>۱</sup>.

#### ۴/۷ — رشد زبان کودکان ۲ تا ۶ ساله

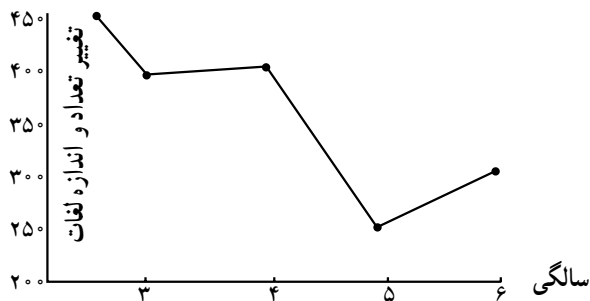
در سن دو سالگی مراحل مقدماتی یادگیری زبان شروع می‌شود. کودکی که با الفاظ کودکانه شروع به حرف زدن نموده اینک با بیان کلیات مطالب موردنظر را تا حدودی بیان می‌نماید. در بعضی موارد با ترکیب کلمات جملات ساده دو کلمه‌ای می‌سازد بیشتر مراحل رشد زبان در دو تا شش سالگی انجام می‌گیرد. کودک ۳/۵ ساله توانایی تشخیص و بکار بردن اصوات را دارد ولی از مجموع حروف بی‌صدا فقط ۲ یا ۳ مورد آنها را تکلم می‌نماید. این تفاوت رشد در یادگیری اصوات و حروف بی‌صدا در نتیجه کاربرد پیچیده و اکنشهای حرکتی در تولید صدای حروف بی‌صدا می‌باشد. تکلم سایر حروف صدادار و تشخیص آنها در سنین بین ۲ تا ۶ سالگی انجام می‌گیرد. فرآیند رشد زبان در این مرحله به فرار زیر است:

— **رشد درک معانی کلمات:** رشد درک معانی کلمات، دانشی است که فرد از لغاتی که مورد استفاده قرار می‌دهد دارد. سالهای متمادی رشد معانی را اندازه و خصوصیات لغاتی می‌دانستند که کودک در سنین مختلف کسب می‌نماید ولی در سالهای اخیر روانشناسان رشد، توجه خود را به منظور مفهوم کودک از بیان کلمات، معانی تقریبی کلمات نسبت به معانی اصلی آنها که توسط بزرگسالان ادا می‌گردد و مقایسه آن معانی با هم، معطوف داشته‌اند.



— **بکار بردن لغات:** لغاتی که کودکان بکار می‌برند ممکن است هم شامل درک کودک از آن لغت باشد و هم شامل بکار بردن خود بخودی آن لغات. تعداد لغاتی که معانی آنها توسط کودک درک می‌گردد بیشتر از لغاتی است که به طور خودبخودی استعمال می‌شود.

برای مثال، کودک امکان دارد کلمه «لباس زیر» را به طور خودبخودی بیان ننماید، ولی وقتی به او گفته می‌شود «برو لباس زیر خود را بیاور» کودک نسبت به این جمله، واکنش مناسبی نشان می‌دهد. تعداد و اندازه لغاتی که کودک درک می‌کند ابتدا (قبل از ۲ سالگی) از رشد آهسته‌ای برخوردار است ولی در سن ۳ سالگی از یک وفور رشدی برخوردار می‌گردد (برابر نمودار زیر) که در سالهای ۵ تا ۶ سالگی از سطح رشدی آن کاسته می‌گردد:



— **طبقه‌بندی کلمات:** اولین کلماتی که کودک ادا می‌کند آن دسته از کلمات هستند که عینی بوده، خصوصیات دنیای اطراف او را نشان می‌دهد یعنی اشیا، مشخصات آنها و کار آنها می‌باشد. با رشد کودک کلمات تازه‌ای نیز در گفتار او پدیدار می‌گردد. رشد این کلمات تازه کودک را قادر می‌سازد تا روابط تازه‌ای برقرار ساخته و جملات طولانی‌تر و پیچیده‌تری را بیان نماید. نسبت دادن این طبقه‌بندیهای تازه جملات با سن معینی کار ساده‌ای نیست زیرا اختلافات فردی در کسب مهارتهای زبان تأثیر بسزایی دارد. ولی باید توجه داشت که سلسله مراتب بروز طبقه‌بندیهای کلمات و جملات به طور نسبتاً یکنواخت ادامه می‌یابد و طبقه‌بندی کلمات به طور معمول در سالهای بین ۲ تا ۶ سالگی انجام می‌گیرد.

— **معانی کلمات:** اکثر کلمات در صحبت کردن علاوه بر معنی اصلی خود اشیا یا حوادثی را نیز طبقه‌بندی و معرفی می‌نمایند. در حقیقت معنی یک کلمه با تعریفی که بیان‌کننده آن کلمه از مفهوم و طبقه‌بندی آن کلمه می‌نماید، مشخص می‌گردد.

تفکر کودک یک تفکر عینی است، کودکان واقعیت اشیا و حوادث را نادیده گرفته، به جای انتزاعی بودن آنها را براساس مشخصات موجود و ظاهری طبقه‌بندی می‌نمایند در نتیجه این تشخیص، در کاربرد لغات عینیت اشیا و حوادث را نشان می‌دهند.

برای مثال یک کودک سه ساله، ممکن است بگوید سگ سیاه دوید و به طرف خانه رفت ولی احتمالاً نمی‌تواند بگوید (سگ سیاه که احساس ترس می‌کرد به خانه رفت). و با کلیه وسایل حمل و نقل از قبیل ترن، اتوبوس و غیره را اتومبیل می‌نامد. کودک از لحاظ جنبه مفهومی این مثال احتمالاً مفهوم مسافر و حرکت را می‌تواند درک نماید در صورتی که فرد بزرگسال جنبه‌های بسیاری از این مفهوم را ارائه می‌نماید.

#### ۴/۸— رشد شخصیت در کودکان ۲ تا ۶ ساله

برای توصیف راه مشخصی که فرد از طریق آن با محیط خود ارتباط پیدا می‌نماید اصطلاحی به کار رفته که آن را «شخصیت» می‌نامند. تفکر، احساس و عمل فرد به وسیله شخصیت به هم پیوند می‌یابند. دوران ۲ تا ۶ سالگی دوره مهمی در رشد شخصیت محسوب می‌شود زیرا پدیدار شدن تواناییهای مفهومی به کودکان اجازه می‌دهد تا از دنیای خود درک تازه‌ای به دست آورند. رشد آگاهی آنان برای برقراری تماس با دیگران و تماس دیگران با آنان افزایش می‌یابد، در این جا لازم است تصورات واقعی از حوادث و وقایع در ذهن خود را به گونه‌ای به وجود آورند که در رفتار آینده آنها مؤثر باشد.

افزایش درک آنها از زبان و رابطه علت و معلول، آنها را قادر می‌سازد که نه تنها مفهوم مکان و زمان بلکه مفهوم آینده را نیز درک نمایند.

#### ۴/۹— رشد اجتماعی در کودکان ۲ تا ۶ ساله

کودکان قبل از رسیدن به سن دو سالگی روزانه معمولاً با چند کودک دیگر مواجه می‌گردند. تعداد این ملاقاتها از سن چهار سالگی به بعد افزایش می‌یابد.

افزایش این تماسها احتمالاً فرصتهای مناسبی را برای همبازی شدن با سایر کودکان به وجود می‌آورد و بدین طریق نیاز به همراهی و مصاحبت در کودکان ۲ تا ۵ یا ۶ ساله پدیدار می‌گردد. این نیازمندی را می‌توان در بازیها و همبازیهای خیالی— که کودکان ۲ تا ۵ ساله هنگامی که بازی واقعی ندارند، در مخیله خود می‌پروراند— مشاهده نمود. گاهی اوقات نیاز به مصاحب و همبازی برای کودکان ۳ تا ۶ ساله موجب می‌گردد که آنها به بازی با حیوانات دست‌آموز متوسل گردند.

مدتهای زیادی است که روانشناسان اهمیت بازی را در اجتماعی شدن و رشد شناختی کودکان تشخیص داده‌اند. بازی بخشی از رشد کودک به‌عنوان یک انسان اجتماعی می‌باشد.

در مورد کودکان ۶ ساله و پایین‌تر از آن سه نوع بازی اجتماعی به شرح زیر مشخص شده است.

— بازی در کنار یکدیگر ولی متفاوت (بازی پارالل<sup>۱</sup>): کودک ۳ ساله بازی دسته جمعی و با همه را دوست دارد ولی وقتی این کودکان ۲ یا ۳ ساله در کنار هم مشغول بازی می‌گردند نوع بازی آنها متفاوت است. فقط کنار یکدیگر در یک اتاق قرار می‌گیرند ولی هریک بازی خاص خود را انجام می‌دهد. ممکن است همه بدون ولی توجهی به یکدیگر نداشته باشند. در واقع ضمن با هم بودن به طور فردی بازی می‌کنند.



کودک سه ساله توپ‌های رنگی را دوست دارد و غالباً بطور انفرادی بازی می‌کند.

— بازی شراکتی<sup>۲</sup>: کودکان سه ساله بازی گروهی را ترجیح می‌دهند ولی ضمن انجام این بازی دسته جمعی و احتمالاً استفاده از یک نوع وسیله و ابزار بازی هر یک آنها به طریق مورد نظر خود از اسباب بازی استفاده می‌نمایند، عمدتاً در بازی اشتراکی، همه با توپ بازی می‌کنند ولی یکی، جمع کردن توپ دور و بر خود، دیگری با پرت کردن توپ به اطراف. به طور کلی در این بازی ضمن تشریک مساعی در بازی و استفاده از وسایل مشابه در فعالیتهای آنها هماهنگی وجود ندارد.

— بازیهای همیاری یا تعاونی<sup>۳</sup>: در این نوع بازی کودکان ۴ ساله به بالا شرکت دارند و بازیهای هماهنگی وجود دارد مانند تاب خوردن که با کمک یکدیگر انجام می‌پذیرد.

۱- Parallel play

۲- Association play

۳- Cooperative play

## پرسشهای فصل چهارم

- ۱- رشد طولی بدن کودک ۲ ساله را بنویسید.
- ۲- کودکان در سن ۲ سالگی معمولاً چند عدد دندان شیری دارند؟
- ۳- وزن بدن کودک ۲ ساله در حدود چند کیلوگرم است؟
- ۴- یک کودک ۲ ساله چه حرکاتی را می‌تواند انجام دهد؟ سه مورد آنها را بنویسید.
- ۵- یک کودک ۶ ساله چه نوع حرکاتی را می‌تواند انجام دهد؟ دو مورد را ذکر کنید.
- ۶- رشد ادراکی کودکان معمولاً از چه سالی شروع می‌شود؟
- ۷- حافظه کوتاه مدت با دراز مدت چه تفاوتی دارد؟
- ۸- کودکان ۶ ساله برابر درجه بندی هوشی استانفورد بینه دارای تواناییهای مختلفی هستند. چهار مورد از آنها را بنویسید.
- ۹- رشد شخصیت کودکان ۲ تا ۶ ساله را به طور مختصر بنویسید.
- ۱۰- بازیهای متداول کودکان ۶ ساله را شرح دهید.